

## بررسی ظرفیت‌های مادران در تربیت اجتماعی فرزندان با تکیه بر یافته‌های دینی و علمی

علی احمد پناهی\*

### چکیده

زن و مرد به‌عنوان ارکان اصلی خانواده، متناسب با ظرفیت‌های جسمی و روان‌شناختی نقش‌های ویژه‌ای در خانواده به عهده دارند. زنان و مادران به دلیل برخورداری از توانمندی‌های خاصی که دارند در بُعد تربیت اجتماعی فرزندان از جایگاه انحصاری برخوردارند. پژوهش حاضر با هدف تبیین و بررسی ظرفیت‌های مادران در تربیت اجتماعی و جامعه‌پذیر کردن رفتارهای فرزندان با تکیه بر یافته‌های دینی و علمی انجام شده است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و استنباطی است، به این منظور پس از شناسایی و استخراج ظرفیت‌های زنان و مادران و نقش آنان در نظام خانواده از نگاه متون دینی، به تحلیل محتوای آنها پرداخته و ظرفیت‌های مادران در تربیت اجتماعی فرزندان بررسی شد. مادران و زنان به دلیل برخورداری از ظرفیت‌های زیستی-اجتماعی منحصر به فرد، برخورداری از جایگاه عاطفی خاص، مجهز بودن به ظرفیت‌های کلامی و غیر کلامی، ایمنی بخشی به واسطه شوهرداری نیکو و بهره‌مندی از ظرفیت‌های یادگیری مشاهده‌ای، نقش تعیین‌کننده‌ای در تربیت اجتماعی و اخلاقی فرزندان دارند.

واژگان کلیدی: جامعه‌پذیری، ظرفیت زیستی-اجتماعی، همسرداری، نقش، ایمنی بخشی و بسترسازی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

جامعه‌پذیر کردن و یا تربیت اجتماعی، از کارکردهای مهم یک خانواده مطلوب است. جامعه‌شناسان در تعریف جامعه‌پذیری آن را فراگردی دانسته‌اند «که انسان‌ها از طریق آن شیوه‌های زندگی جامعه خود را یاد می‌گیرند، شخصیتی کسب می‌کنند و آمادگی عملکرد به‌عنوان عضوی از یک جامعه را می‌یابند» (کوئن، ۱۳۷۰، ص ۷۴). تربیت اجتماعی به پرورش جنبه‌هایی از شخصیت انسان اشاره دارد که به زندگی و تعامل فرد در میان جامعه مربوط بوده و زمینه فهم بیشتر محیط پیرامون را فراهم می‌سازد. تربیت اجتماعی باعث کسب مهارت‌های ضروری در رابطه با زندگی اجتماعی و نحوه انجام مسئولیت‌های اجتماعی می‌شود (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۵). براساس آموزه‌های اسلامی و منطق قرآنی، اگرچه زن و مرد از حقیقت و سرشتی واحد برخوردار بوده و هر دو دارای سیرتی الهی و روحانی هستند (جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۲) و معیار کمال در آنان (زن باشد یا مرد) معرفت و تقواست و در امور ارزشی هیچ سخنی از ذکورت و انوثنیت نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۵۴۵ و ۵۴۶)، اما زن و مرد به دلیل شکل‌گیری نظام احسن و اهداف دیگر، افزون‌بر برخورداری از مشترکات مختلف، از تفاوت‌ها و ظرفیت‌های مختلفی نیز متناسب با نقش‌ها و وظایفی که در نظام خانواده و اجتماع از آنان انتظار می‌رود، برخوردارند. اختلاف زن و مرد از دنیای رحم آغاز می‌شود و زنان یک جفت کروموزم جنسی دارند که نماد آن XX است، در حالی که کروموزم جنسی مردان XY است (هاید، ۲۰۱۳، ص ۲۰۷-۲۰۸). اگر اسپرم دارای کروموزم X تخمک را بارور نماید فرزند دختر و گرنه پسر خواهد بود (اتکینسون،<sup>۱</sup> و دیگران ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۶۷۸-۶۷۹). مهم‌ترین تفاوت‌های زن و مرد به حوزه تفاوت‌های شناختی و عاطفی مربوط است (هرلتز و یانکر،<sup>۲</sup> ۲۰۰۲؛ هاینس،<sup>۳</sup> ۲۰۰۷؛ جانسون و همکاران،<sup>۴</sup> ۲۰۰۸ و هاید، ۲۰۱۳، ص ۱۷۱). دختران در انواع توانایی‌های مربوط به حافظه مانند حافظه بصری، حافظه بصری-فضایی،<sup>۵</sup> حافظه کلامی، تداعی، حافظه مقطعی، همچنین سرعت انجام تکالیف پردازشی ادراکی، قوی‌تر هستند (هالپرن و لامای،<sup>۶</sup> ۲۰۰۰ و کاماراتا و وودکوک،<sup>۷</sup> ۲۰۰۶). پسران، در زمینه دانش عمومی،<sup>۸</sup> هم در جمعیت عمومی و هم در جمعیت دانشجویی بر دختران و زنان برتری دارند (آکرمن، براون، بیر و کانفر،<sup>۹</sup> ۲۰۰۱، و کاماراتا و وودکوک، ۲۰۰۶). زنان با مردان در توانمندی کلامی نیز تفاوت دارند (هاید، ۲۰۱۳، ص ۱۷۲). برتری زنان در

1. Atkinson, R. F

3. Hines

5. Visual-spatial

7. amarata &amp; Woodcock

9. Ackerman Bowen, Beier, &amp; Kanfer

2. Herlitz &amp; Yonker

4. Johnson et al

6. Halpern &amp; LaMay

8. general knowledge

توانایی کلامی یکی از شاخص‌ترین تفاوت‌های جنسیتی است. زنان در توانایی کلامی و حافظه برتری دارند و مردان در مهارت‌های فضایی و ریاضی (هالپرن، ۲۰۰۱)<sup>۱</sup>. هرلیتز و یانکر (۲۰۰۲) بر این باورند که زنان در تشخیص چهره‌ها و بوها، بهتر از مردان عمل می‌کنند. بسیاری از اندیشمندان قائل به تفاوت عاطفی معنی‌دار در زن و مرد هستند (بارت و بلیس، ۲۰۰۹)<sup>۲</sup>. تحقیقات همچنین ثابت کرده است که زنان هیجانات را نسبت به مردان با شدت بیشتری تجربه می‌کنند. همچنین هیجانات را در زمان طولانی‌تر حفظ کرده و هیجانات مثبت و منفی، به جز خشم را، بیشتر بروز می‌دهند (بکر<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۷؛ رایبیز و جاج، ۲۰۱۵، ص ۱۰۷). زنان رفتارهای هیجانی در نظام نظام خانواده را از وظایف اختصاصی خود تلقی نموده و از آن لذت می‌برند (مییر<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۶). تحقیقات ثابت نموده است که تعهد به رفتار هیجانی نسبت به فرزندان و همسر، برای زنان رضایت‌آور و مهم است. همچنین زنان نیازمندند تا از ناحیه همسر و خانواده نیز رفتاری عاطفی و هیجانی از قبیل تشویق، اظهار علاقه، رضایتمندی و همدلی را دریافت کنند (اریکسون، ۲۰۰۵)<sup>۵</sup>. دانشوران مسلمان، بر ویژگی عاطفی و احساسات سرشار زنان تأکید کرده‌اند تا آنجا که علامه طباطبایی (۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۷۵ و ج ۴، ص ۳۴۳) زن را دارای حیات عاطفی دانسته است و جوادی آملی (۱۳۸۹، ص ۲۲۱) قوی بودن عواطف و احساسات زنانه را موجب پیشتازی زن در سلوک معنوی و عرفانی می‌داند. مصباح یزدی (۱۳۸۸، ص ۲۱۸) شاخص‌ترین اختلاف روحی بین زن و مرد را غلبه تأثیرپذیری و انفعال عاطفی در وجود زنان می‌داند. توانایی رمزگردانی یا رمزگشایی به معنای قابلیت فرد برای مشاهده رفتار غیرکلامی دیگران و تشخیص حالت عاطفی آنها در زنان قوی‌تر است. فردی که در رمزگردانی مهارت دارد می‌تواند به حالت چهره، حرکات بدن و آهنگ صدای دوستش توجه کند و بفهمد که آیا به لحاظ خلق و روحیه شرایط خوبی دارد یا خیر (ماتلین، ۲۰۰۸، ص ۱۸۵ و ۱۹۱). تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که زنان بیشتر از مردان احتمال دارد حالت‌های غیرکلامی را به درستی تعبیر کنند (برودی و هال، ۲۰۰۰)<sup>۶</sup>. همدلی و روحیه پرورشی و مراقبتی نیز در زنان بسیار بیشتر از مردان است (کوان و خاچادوریان، ۲۰۰۳)<sup>۷</sup>.

در نگاه جامعه‌شناسانه از زن و مرد متناسب با ویژگی‌های روان‌شناختی و جسمانی که دارند و متناسب با موقعیت و جایگاهی که در آن قرار گرفته‌اند، مجموعه‌ای از رفتارها مورد انتظار است و از آنان خواسته می‌شود، این مجموعه رفتاری را نقش می‌گویند (جانانان، ۱۳۷۸<sup>۸</sup>، ص ۱۰۴). منزلت، به پایگاه اجتماعی یک فرد در یک گروه و یا به رتبه یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر اطلاق

1. Halpern, D.F

3. Becker D. V

5. Erickson, R

7. Cowan &amp; Khatchadourian

2. Barrett and Bliss

4. Meier, J. A

6. Brody &amp; Hall

8. Jonatha H, Turner

می‌شود. نقش، به آن رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از دارنده یک منزلت معین انتظار دارند (کوئن،<sup>۱</sup> ۱۳۷۰، ص ۵۷). نقش، یعنی رفتار مورد انتظار از فردی که موقعیت معینی را گرفته است (گیدنز،<sup>۲</sup> ۱۳۷۶، ص ۷۹۱). نقش‌های جنسیتی،<sup>۳</sup> مجموعه‌ای از هنجارهای رفتاری مربوط به زنان و مردان در یک فرهنگ معین هستند که بخشی از هویت اجتماعی فرد را تشکیل می‌دهد. هر جامعه مبتنی بر جنس زیستی خاص، تعیین می‌کند چه رفتاری برای یک فرد مناسب است و یا قواعد و ارزش‌های آن را تقویت می‌کند (بالو،<sup>۴</sup> ۲۰۰۸). دیوید و جون<sup>۵</sup> (۲۰۱۱، ص ۱۹۱-۱۹۵) نقش را به معنای تصورات غالبی که در هر فرهنگ و جامعه‌ای از وظایف و کارکردهای زن و مرد دارند، می‌دانند. در پژوهش حاضر تلاش شده با عنایت به تفاوت‌های زنان با مردان به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های زنان و مادران و نقش‌های آنان در تربیت اجتماعی و اخلاقی فرزندان پرداخته شود.

### مفهوم تربیت

تربیت در لغت عبارت است از ایجاد کردن حالتی پس از حالت دیگر در چیزی تا به حد تام و کمال برسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۳۶). در ارتباط با ریشه اصلی این واژه (تربیت) بین علمای اهل لغت اختلاف نظر است، برخی آن را از ریشه «ربو» به معنی رشد و نمو و زیادت و فزونی چیزی دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۱۲۸). اگر تربیت برگرفته از «ربو» باشد به معنی رشد کردن و برآمدن و بالیدن خواهد بود. برخی دیگر آن را از ریشه «رب» و یا «ریأ» به معنی اقدام بر اصلاح چیزی (ابن فارس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۸۱) و تغییر تدریجی و گام به گام در امری، دانسته‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۳۴، ص ۳۳۶). تربیت در علوم تربیتی معادل (Education) و به معنای راهنمایی کردن، پروردن و قوت بخشیدن است (وینچ و گنگل،<sup>۶</sup> ۲۰۰۸، ص ۶۳). تربیت در اصطلاح به معنای پرورش دادن و به فعلیت رسانیدن استعدادها و ایجاد تعاون و هماهنگی میان آن استعدادهاست تا مربی از این طریق بتواند به حد اعلای کمال خود برسد (مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۵۵). به عبارت دیگر تربیت (پرورش)، جریانی است منظم و مستمر که هدف آن کمک به رشد جسمانی، روانی، اخلاقی، اجتماعی (به‌طور کلی رشد شخصیت پرورش‌یابندگان) در جهت کسب هنجارهای مورد پذیرش جامعه و کمک به شکوفا شدن استعداد آنها است (گلاور<sup>۷</sup> و همکاران، ۱۳۷۵، ص ۶-۱۰). گرچه از منظر علم اخلاق و علوم تربیتی در معنای اصطلاحی تربیت تفاوت‌هایی وجود دارد؛ اما منظور ما از تربیت در پژوهش حاضر، آموزش و نهادینه کردن رفتار اجتماعی و هنجارهای اخلاقی در متری است.

1. Bruce Quinn  
3. gender roles  
5. David H, Olson and John DeFrain  
7. Glover, John A

2. Anthony Giddens  
4. Ballou  
6. winch & gingel

### ظرفیت‌های مادران در تربیت اجتماعی فرزندان

به دلیل برخورداری مادران از ظرفیت‌های ویژه اجتماعی و روان‌شناختی و به دلیل تعامل گسترده و چند بُعدی آنان با فرزندان، زمینه‌ها و ظرفیت‌های متنوعی در راستای جامعه‌پذیر کردن فرزندان، برای آنان قابل طرح و بیان است. در این قسمت به نمونه‌هایی از این زمینه‌ها و ظرفیت‌ها پرداخته می‌شود.

#### الف) فراهم‌کننده زمینه‌های زیستی-اجتماعی

نقش مادری و مراقبتی از ظرفیت‌های ویژه و منحصر به فرد مادران است و به لحاظ ارزشی از درجه‌ای ممتاز برخوردار است. اهمیت و نقش ممتاز مادر در تربیت، تحول شخصیت و ویژگی‌های ظاهری و اخلاقی فرزندان، از مسایلی است که همواره مورد توجه مربیان و بزرگان بوده است (میدانی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۴۵۹؛ جاحظ، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۴؛ طبری، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۹ و علی‌پور، ۱۳۹۱، ص ۹۹-۱۱۸). در آموزه‌های اسلامی به نقش مادر و به خصوص نقش تربیتی او توجه ویژه شده است.

امام سجاد (علیه السلام) در رساله الحقوق ضمن توجه به فرایند و مراحل مراقبت‌های مادر از فرزند و ایفای نقش مادری و تربیت زیستی او، با تعبیری زیبا و اندیشمندانه به تحلیل این نقش مقدس پرداخته است. حضرت در این روایت جامع می‌فرماید: حق مادرت این است که بدانی او تو را چنان دربر داشته (در جایی نگه داشته) که کسی دیگری را بدان‌گونه برنگیرد و از میوه دل خود تو را چنان خورانده که هیچ‌کس دیگری را بدان‌سان نخوراند و به راستی تو را به گوش و چشم و دست و پای و پوست و تمام اندام‌هایش (به تمام وجود خود) نگهداری کرده و نگهداری او به خوشرویی و دلشادی و پیوسته بوده. هر ناگواری و درد و گرانی و نگرانی (دوران بارداری را) تحمّل کرده چنان‌که دست تطاول (آفات) را از تو دور ساخته و تو را بر زمین نهاده و خرسند بوده است که تو سیر باشی و او خود گرسنه ماند و تو جامه پوشی و او برهنه باشد و تو را سیراب کند و خود تشنه ماند و تو را در سایه دارد و خود زیر آفتاب باشد و با بیچارگی خود تو را نعمت بخشد و با بی‌خوابی خود تو را لذت خواب چشاند و شکمش ظرف هستی تو بوده و دامنش پرورش‌گهت و سینه‌اش چشمه نوشت و جانش نگهدارت، سرد و گرم دنیا را برای تو و به خاطر تو چشیده است پس به قدرشناسی از این همه او را سپاس گزار، و این قدردانی را نتوانی جز به یاری و توفیق خداوند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۵؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۱۶۰ و احمدی میانجی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۲۰۳). در این روایت شریف، امام سجاد (علیه السلام) به صورت ضمنی به بسیاری از تلاش‌های مادر از قبیل مراقبت‌های جسمانی، اجتماعی، تغذیه‌ای، ایمنی و... اشاره فرموده است. در عبارات امام آن‌چنان دقت و بلاغتی وجود دارد که همه آلام و مشقت‌های مادر را از آغاز حمل و بارداری تا بلوغ و رشد فرزند

دربر می‌گیرد. حضرت امام سجاده (علیه السلام)، مادر را چنان تحسین و تمجید و ستایش می‌کند که فرزندان را در برابر این موجود قابل تقدس و تکریم خاضع نموده و ادا به احساس مسئولیت می‌نماید. آن بزرگوار این مسئولیت و جایگاه نقش مادری را به خوبی مد نظر داشته و حتی ظریف‌ترین رفتارهای اخلاقی را در حق مادر رعایت می‌نماید. امام سجاده (علیه السلام) با تعابیر «احداً احداً» که چندین بار تکرار شده، روشن می‌کند که جز مادر هیچ‌کس در حق فردی دیگر این چنین فداکاری نمی‌کند و این نشانه جایگاه ممتاز و برتر مادر در نظام خانواده و در رابطه با فرزندان است. امام سجاده (علیه السلام) با مادر هم‌غذا نمی‌شد و وقتی از علت این کار سؤال شد فرمودند: می‌ترسم بر سر سفره دستم را به چیزی دراز کنم که پیشتر چشم مادرم بر آن افتاده باشد و با این عمل موجبات نافرمانی او را فراهم آورم (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۸۲).

در آموزه‌های دینی ضمن اینکه توصیه‌های زیادی در رابطه با تکریم والدین شده (انعام، ۱۵۱؛ اسراء، ۲۳-۲۴؛ بقره، ۲۱۵ و ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۰۸ و...)، نسبت به تکریم مادر توجه بیشتری معطوف شده است. از امام سجاده (علیه السلام) روایت شده است که شخصی به حضور رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) شرفیاب شد و عرض کرد: یا رسول الله! در طول عمرم کار زشتی نیست که انجام نداده باشم، آیا راه توبه و بازگشت وجود دارد؟ حضرت فرمودند: آیا از پدر و مادرت هیچ‌یک زنده هستند؟ گفت: بله، پدرم زنده است. فرمود: برو به پدرت نیکی کن. راوی می‌گوید: وقتی او رفت پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: اگر مادرش زنده بود تأثیر بیشتری داشت (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۸۲). از مهم‌ترین مصداق‌های نقش مادری، تربیت اخلاقی و اجتماعی آنان، ابراز محبت به فرزندان، مراقبت، تربیت و تغذیه کودک به خصوص شیردهی به کودک است. مراقبت از فرزندان به خصوص در دوره بارداری و نوزادی که از مهم‌ترین بسترهای تربیتی کودک است، انحصاراً در اختیار مادر می‌باشد. دقت در مصرف تغذیه سالم و پاک از عوامل زمینه‌ساز در رشد ذهنی و جسمی و عقلی کودک است (پاول اس، ۱۳۸۲، ص ۲۳۱-۲۳۲). مسئولیت شیردهی مادر همانند نقش زاینده‌گی از نقش‌های منحصر به فرد است که هیچ جایگزینی نمی‌تواند داشته باشد. تغذیه از شیر مادر، حق طبیعی و مسلم کودکان است. دوران شیرخواری از نظر رشد و تکامل از حساس‌ترین دوره‌های زندگی هر فرد محسوب می‌شود. آنچه به‌عنوان تغذیه طبیعی شیرخوار در شش ماه اول توصیه می‌شود، تغذیه انحصاری با شیر مادر است (اسلامی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۸). شیر مادر، تغذیه مناسب و ایده‌آل برای رشد و تکامل نوزادان می‌باشد و تأثیر زیستی و روانی بی‌ظنیری بر سلامت مادر و هم نوزاد دارد (اولنگ<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۲). شیر دادن مادران، یک جزء جدایی‌ناپذیر از

1. Islami Z

2. Olang B

فرایند تولید مثل است که برای سلامتی مادر کاربردی اساسی دارد (ال کوچی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۲). در آموزه‌های دینی تأکید زیادی بر اهمیت شیر مادر گردیده است. در قرآن کریم، طی چند آیه به موضوع شیر مادر اشاره شده که در هر یک از آیات به جنبه خاصی از آن پرداخته شده است. در آیات ۲۳۳ بقره؛ ۱۵۲ احقاف؛ ۱۴ لقمان و آیه ۱۶ سوره طلاق به مسئله شیر مادر پرداخته و حتی گاهی جزئیات آن را هم مطرح نموده است. در برخی آیات قرآن کریم، از جمله آیه ۲۳ نساء، مسئله خویشاوندی رضاعی را مطرح نموده است و در آیه ۲ سوره حج، به ارتباط عاطفی و انس مادر شیرده و طفل شیرخوار، اشاره دارد. همچنین در آیه ۱۲ سوره قصص، به شرح وقایع به آب افکندن موسی و از آب گرفتن او توسط دربار فرعون پرداخته و در این آیه به مسئله تغذیه حضرت موسی (علیه السلام) از شیر مادر حقیقی خود، اشاره فرموده است. در آموزه‌هایی روایی نیز ضمن اشاره به مدت شیر دادن (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۴۵۴ و کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۰)، از شیر مادر به عنوان بهترین تغذیه (العروسی الحویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۲۸ و حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۵۲) و عامل تأثیرگذاری در شخصیت و ویژگی‌های روحی و روانی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۳۲۳ و کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۳) و جسمانی کودک (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۴)، معرفی شده است. به اجماع متخصصان، شیر مادر بهترین غذا برای کودک است و بهتر از تغذیه با پستانک می‌باشد (واکر،<sup>۲</sup> ۲۰۱۰ و ویلسون،<sup>۳</sup> ۲۰۱۰، به نقل از سانتراک،<sup>۴</sup> ۲۰۱۱، ص ۲۱۹). پژوهشکده آمریکایی طب کودکان و انجمن رژیم غذایی آمریکا،<sup>۵</sup> به طور مؤکد به تغذیه با شیر مادر در سرتاسر سال نخست کودکی، تأکید داشتند (جیمز و دابسون،<sup>۶</sup> ۲۰۰۵، به نقل از سانتراک، ۲۰۱۱، ص ۲۱۰).

تغذیه با شیر مادر مزایای زیادی دارد. افزایش وزن اختصاصی، کاهش خطر چاقی مفرط در دوره کودکی، کاهش حساسیت و جلوگیری از اسهال و عفونت‌های تنفسی (مانند سینه پهلوی و برونشیت) از جمله آنهاست. جلوگیری از عفونت‌های مجاری ادرار، جلوگیری از عفونت آماس گوش میانی، تراکم مناسب استخوان‌ها در کودکی و بزرگسالی و کاهش سرطان در کودکی و کاهش بروز سرطان سینه در مادران و فرزندان دختر آنان (کوان و همکاران، ۲۰۰۴)، از دیگر مزایا و فواید استفاده از شیر مادر است. همچنین کودکانی که از شیر مادر استفاده می‌کنند، در رشد عصبی-ادراکی (آیدلمن و فلدمن، ۲۰۰۴) و رشد زبانی-حرکتی (دی و همکاران، ۲۰۰۷)

1. Al-Kohji S

2. Walker

3. Wilson

4. Santrock

5. American Academy of Pediatrics (AAP) and the American Dietetic Association strongly.

6. James &amp; Dobson

و دقت در بینایی (ماکرایدز و همکاران، ۱۹۹۵) از دیگر کودکان جلوتر هستند (به نقل از سانتراک، ۱۳۹۲، ص ۱۰۰). شیر مادر، در کاهش پنج برابری مرگ و میر، اسهال، خونریزی‌های معده‌ای، عفونت‌های تنفسی، دیابت و کنترل افزایش وزن کودکان، تأثیر دارد (محمد بیجی و همکاران،<sup>۱</sup> ۲۰۰۹، حیدرپور و همکاران،<sup>۲</sup> ۲۰۱۱ و سینیانگو و همکاران،<sup>۳</sup> ۲۰۰۴). شیردهی مادران، میزان ابتلا به سرطان تخمدان و سینه را کاهش می‌دهد (مک دونالد،<sup>۴</sup> ۲۰۱۲).

تغذیه با شیر مادر، فواید اجتماعی و روان‌شناختی زیادی نیز دارد. تأمین محیط حمایتی برای کودک که از نیازهای اساسی او در دوره خردسالی است (بوئل و لانگ،<sup>۵</sup> ۲۰۰۷؛ همپل،<sup>۶</sup> ۲۰۰۷)، از طریق شیردادن تأمین می‌شود (به نقل از سانتراک، ۱۳۹۲، ص ۱۰۱). ارتباط نزدیک مادر و کودک باعث تشکیل و تحکیم پیوند مادر-نوزاد می‌شود و نیاز کودک به ارتباط اجتماعی و عاطفی را برآورده می‌سازد.

شیر دادن به کودک، بهترین زمینه برای شکل‌گیری دل‌بستگی ایمن به مادر و زمینه‌ساز رشد اجتماعی کودک است (منصور و دادستان، ۱۳۷۴، ص ۱۵۰-۱۵۱). به اعتقاد روان‌شناسان، دل‌بستگی به مادر از دو یا سه ماهگی شروع می‌شود؛ ولی دل‌بستگی واقعی در طول ۷ تا ۲۴ ماهگی اتفاق می‌افتد و کودک به صورت عمیق به مادرش دلبسته شده و ارتباط عاطفی قوی با او پیدا می‌کند (وِندِر زَندِن، ۱۳۸۶، ص ۱۳۳) از این رو دو سال اول زندگی کودک و نوع رابطه‌ای که با مادر دارد، بسیار با اهمیت و تعیین‌کننده است و اگر سرمایه‌گذاری عاطفی لازم صورت نگیرد، ممکن است مشکلات جدی در فرایند شکل‌گیری شخصیت کودک و فرایندهای رفتاری او ایجاد بشود. خلاصه اینکه تغذیه مناسب فرزند در دوره بارداری و بعد از آن و همچنین حالات معنوی و روان‌شناختی مادر، یکی از عوامل اساسی در تحول شخصیت و ویژگی‌های رفتاری کودک است. مادران به واسطه تعاملات مختلفی که با فرزند دارند می‌توانند بسترهای لازم را برای تربیت اجتماعی آنان مهیا نمایند.

#### ب) برخورداری مادران از جایگاه عاطفی خاص

جنبه‌های روان‌شناختی انسان را می‌توان به بُعد شناختی، رفتاری و عاطفی تقسیم کرد. بُعد عاطفی و هیجانی به نوبه خود، هم متأثر از بعد شناختی و رفتاری است و هم در آنها تأثیر دارد. به بیان دیگر، بین این سه حوزه تعامل و ارتباط جدی وجود دارند و مجموع اینها حالات روان‌شناختی

1. Mohammad Beygi A, Mohammad Salehy N, Bayati A

2. Heydarpour S, Golbani F, Heydarpour F, Timareh M

3. Ssenyonga R, Muwonge R, Nankya I

4. McDonald

5. Biyle and Long

6. Hampl



انسان را تشکیل می‌دهند. چه بسا ممکن است این بخش (عاطفی) از هستی انسان، ملاک‌های حسابگرانه عقلی به‌ویژه عقل ابزاری را به‌کار نگیرد و به تقاضای عاطفه پاسخ گوید و حتی ممکن است رفتاری انجام دهد که با محاسبات عقلی زیان‌آور انگاشته شود. چه بسا ممکن است بتوان ادعا کرد که در مواردی انسانیت انسان در گرو همین گزینش عاطفی و گرایش عاطفی قرار دارد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: دل‌های خود را به نرمی و مهربانی (عاطفه‌داری) عادت دهید (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۸۱). به‌کارگیری احساسات مناسب در ارتباط میان‌فردی نقش اساسی دارد. باید نسبت به احساسات ارسال شده هشیار باشیم، آن را بشناسیم و پاسخ مناسب بدهیم. باید خشم دیگران، اندوه شدید، گریه اشکبار، شادی‌های کنترل نشده، ناامیدی و امیدواری دیگران را به رسمیت بشناسیم و به تناسب این عواطف و هیجانات با آنان رابطه برقرار کنیم (پت، ۱۳۷۶، ص ۷۴). همواره رابطه عاطفی، زمینه‌ساز رابطه رفتاری و سپس فکری و شناختی می‌شود. اگر خروارها شناخت روی هم متراکم شود؛ اما عواطف به صورت صحیح شکل نگیرد، هیچ ارزشی ندارد. آقای رابرت کوپر، برخلاف بسیاری از روان‌شناسان که هوش شناختی<sup>۱</sup> را باعث پیشرفت و تکامل و ارتقا دانسته‌اند، این دیدگاه را باطل شمرده و ثابت کرده است که این قلب انسان است که او را متحول می‌کند و باعث ارتقا و پیشرفت می‌شود (پناهی، ۱۳۹۱). مادران به دلیل برخورداری از ظرفیت ممتاز عاطفی و احساسی، در این عرصه نیز ممتاز بوده و بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری ویژگی‌های رفتاری و اجتماعی فرزندان دارند. یکی از مهم‌ترین نیازهای کودکان که پایه و اساس روابط آنها را با دیگران تعیین می‌کند، نیاز به محبت و امنیت است. تأمین این نیاز، رشد سالم شخصیت کودک را در پی داشته و موجب می‌شود که کودک در آینده بتواند نقش پدر یا مادری دلسوز و مهربان را ایفا کند و به محبت و علاقه دیگران به نحو صحیح پاسخ دهد. اولین کسی که در تأمین این نیاز به کودک کمک می‌کند، مادر است و سپس پدر است. زنان به دلیل توانمندی کلامی بالا (هاید، ۲۰۱۳، ص ۱۷۲) از ظرفیت عاطفی ویژه (بارت و بلیس، ۲۰۰۹<sup>۲</sup>)، توانایی خاص در بروز هیجانات عاطفی و استمرار آن (بکر<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۷؛ رابینز و جاج، ۲۰۱۵، ص ۱۰۷) در تأمین عواطف اعضای خانواده نقش ممتازی دارند. زنان رفتارهای هیجانی در نظام خانواده را از وظایف اختصاصی خود تلقی می‌کنند و از آن لذت می‌برند (میبر<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۶). تحقیقات ثابت نموده است که تعهد به رفتار هیجانی نسبت به فرزندان و همسر، برای زنان رضایت‌آور و مهم است (اریکسون، ۲۰۰۵<sup>۵</sup>). از نگاه دینی، زنان و مادران در توانایی عاطفی،

1. IQ (Intelligence Quotient)

2. Barrett and Bliss

3. Becker D. V

4. Meier, J. A

5. Erickson, R

عاطفی، در ایجاد آرامشگری و فراهم نمودن خشنودی (قمی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۳۹) بر مردان برتری دارند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...؛ اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد» (اعراف، ۱۸۹). طبق این آیه، زنان تسکین‌دهنده تلاطم درونی و روانی مردان‌اند. در روایات نیز به همین امر اشاره شده است. در رساله حقوق امام زین‌العابدین (علیه السلام) آمده است: «أَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَأُنْسًا...؛ و اما حق همسر این است که شوهر بداند خداوند زن را مایه آرامش و الفت قرار داد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۵). در روایت دیگری، که درباره چگونگی آفرینش حواست، از قول آدم به خداوند می‌گوید: «پروردگارا، این پدیده نیکو که نزدیکی و نگاه به او سبب آرامش و قرارم شد» کیست (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۳۹).

از امام رضا (علیه السلام) نقل است که فرمود: «أَنَّ اللَّهَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَ النَّسَاءَ إِنَّمَا هُنَّ سَكَنٌ؛ خداوند شب و زنان را برای آرامش قرار داد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۶۶). از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمودند: «مَنْ زَوَّجَ أَحَاهُ الْمُؤْمِنِ امْرَأَةً يَأْتِسُ بِهَا وَ تَشُدُّ عَضُدَهُ وَ يَسْتَرِيحُ إِلَيْهَا زَوْجَهُ اللَّهُ مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ وَ أَنْسَهُ بِمَنْ أَحَبَّهُ مِنَ الصَّدِيقِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ؛ هرکس برای برادر مؤمنش همسری اختیار کند که مایه آرامش و پشت‌گرمی و خاطرجمعی او باشد، خداوند از حوریان بهشتی نصیب او فرماید و او را با هر آن که از صدیقین دوست بدارد رفیق می‌سازد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۳۶۴) در این روایت شریف، زن و ازدواج عامل آرامشگری معرفی شده است. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «نِعْمَ الْوَلَدُ الْبِتَاتُ مُلْطَفَاتٌ مُجَهَّرَاتٌ مُنَوَّسَاتٌ مُبَارَكَاتٌ مُقَلَّبَاتٌ؛ چه خوب‌اند فرزندان دختر. اهل ملاطفت (عواطف)، کمک‌کننده و یاری‌دهنده، انس‌گیرنده، باخیر و بابرکت و اهل پاکیزگی» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵). حضرت علی (علیه السلام) به طور ضمنی به عاطفی بودن و ظرافت زن اشاره فرموده و افراد را از واگذاری مسئولیت سنگین و خشن به زنان بر حذر داشته و می‌فرماید: «لَا تَمْلِكِ الْمَرْأَةُ مِنَ الْأَمْرِ مَا يُجَاوِزُ نَفْسَهَا فَإِنَّ ذَلِكَ أَنْعَمَ لِحَالِهَا وَ أَرْخَى لِبَالِهَا وَ أَدْوَمَ لِحِمَالِهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۱۰). یکی دیگر از علل آرامشگری زن، بروز و ظهور عواطف قوی در او است (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۹۴).

زنان افزون‌بر اینکه برای مردان آرامش‌بخش هستند به دلیل عاطفی و لطیف بودن، برای فرزندان نیز آرامشگری دارند و فرزندان در کنار مادر به سکون و اطمینان نیل می‌یابند. نیاز به امنیت، محبت و مودت، یکی از مهم‌ترین نیازهای کودکان است که پایه و اساس روابط آنها را با دیگران تعیین می‌کند. این نیاز، نیازی است که رشد سالم شخصیت کودک به آن وابسته است و سبب می‌شود که کودک در آینده بتواند نقش پدر یا مادری دلسوز و مهربان را ایفا کند و به محبت و علاقه دیگران پاسخی درست دهد. نخستین کسی که در تأمین این نیاز به کودک کمک می‌کند مادر است، سپس

پدر، و بعدها افراد دیگری که با کودک ارتباط دارند. اگر این نیاز به خوبی ارضا شود، حس اعتماد به جهان پیرامون در کودک ایجاد می‌شود و او با دنیای در حال تغییر کنار می‌آید و احساس یک پارچگی شخصیت می‌کند و هویتی منسجم و پایدار در او شکل می‌گیرد (پرینگل، ۱۳۸۰<sup>۱</sup>، ص ۲۵۱). تحقیقات نشان داده‌اند که در بسیاری از موارد، مادر بهتر می‌تواند به نیازهای عاطفی، اجتماعی و شخصیتی کودک خود پاسخ مثبت دهد و در حین رسیدگی، با وی تعامل عاطفی برقرار ساخته، او را از عواطف محبت‌آمیز خود بهره‌مند گرداند (مصباح، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۸۶۲). به باور روان‌شناسان، از جمله بالبی<sup>۲</sup> نیاز به دل‌بستگی از جمله نیازهای نخستین (همانند نیاز به تغذیه) است. وی اعتقاد دارد که نیاز به دل‌بستگی از هیچ نیازی مشتق نشده، و نیازی اساسی در تحول شخصیت کودک است. این نیاز، اگر منطقی ارضا نشود، کودک را به نایمینی روانی مبتلا می‌کند. بالبی می‌گوید که این دل‌بستگی و نیاز عاطفی، بیشتر متوجه مادر است و مادر اگر حضور لازم و ضروری و کافی در کنار کودک نداشته باشد و یا اینکه حضور فیزیکی داشته باشد و به نیازهای کودک توجه نکند، سبب نایمینی روانی و ترس و افسردگی و بی‌اطمینانی کودک می‌شود؛ به عبارت دیگر، کودکان به‌طور طبیعی نیاز دارند که مادر نیازهای عاطفی و روانی و جسمانی آنها را برآورد و در هر لحظه‌ای که نیاز داشته باشند در کنارشان باشد و در سایه این تعامل، به آرامش و اطمینان روانی برسند. اگر این احساس برای کودک پیش بیاید که مادرش در دسترس نیست یا اینکه توجهی به او (به کودک) ندارد و یا اینکه نمی‌تواند پناهگاه مطمئنی برایش باشد، دچار نایمینی می‌شود و احساس تنهایی و بی‌پناهی و انزوا می‌کند. این کودک در بزرگسالی نیز شخصیت هنجار و متعادلی نخواهد داشت و چه‌بسا به بدبینی و افسردگی و بی‌عاطفگی درافتد. افزون‌بر این، اگر دل‌بستگی کودک به‌طور طبیعی ارضا نشود، استقلال و ظرفیت‌های سازشی و اجتماعی او نیز با مشکل روبه‌رو خواهد شد (منصور و دادستان، ۱۳۷۴، ص ۱۵۰-۱۵۱).

### ج) مجهز بودن مادران به ظرفیت‌های کلامی و غیرکلامی

بهره‌گیری از ارتباط کلامی<sup>۳</sup> و غیرکلامی<sup>۴</sup> از ابزارهای مهم در روابط اجتماعی است. روابط کلامی زیبا از جمله بهره‌گیری از گفتار زیبا و دلنشین، گفتگوی شیرین و گوارا، گفتگو با آهنگ صدای ملایم و دلنواز و... از امتیازاتی هست که با ویژگی عاطفی و مراقبتی زنان تناسب بیشتری دارد و گستره آن در زنان بیشتر است (هرلتز و یانکر، ۲۰۰۲؛ هاینس، ۲۰۰۷؛ جانسون و همکاران، ۲۰۰۸؛ هاید، ۲۰۱۳، ص ۱۷۱؛ بکر و همکاران، ۲۰۰۷؛ رایبیز و جاج، ۲۰۱۵، ص ۱۰۷). ارتباط

1. Pringle

2. Bowlby. j

3. verbal communication

4. nonverbal communication

کلامی زیبا باعث تحکیم روابط اجتماعی و باعث تقویت دوستی می‌گردد (فصلت، ۳۴). همچنین کنش کلامی پسندیده، مانع از کینه و حسد شده و دل‌ها را به هم پیوند می‌زند و تأثیرپذیری را افزایش می‌دهد.

در آموزه‌های دینی و تربیتی افزون‌بر اینکه توصیه به روابط کلامی زیبا و محبت‌آمیز شده به روابط غیرکلامی نیز تأکید شده است. تواضع و فروتنی (اسراء، ۲۵)، گشاده‌رویی (آل عمران، ۱۶۰) و رفتار مؤدبانه (توبه، ۶۱) از مصداق‌های روابط غیرکلامی است که قرآن بدان تأکید دارد. این نوع ارتباطات، عاملی در تقویت روابط دوستانه و نزدیکی دل‌ها و جذابیت روابط اجتماعی می‌گردد. ثمره تواضع، گشاده‌رویی و گفتار و رفتار مؤدبانه، دلدادگی، محبت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۴۳) و افزایش دوستان (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۹۹ و دیلمی، ۱۴۰۸، ص ۲۷۳) است. چهره گشاده و روی باز، باعث جذب دل‌ها و فزونی محبت می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۰۷ و تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۱۵ و ۳۲۷)، شادی و نشاط می‌آورد و کینه را از دل‌ها می‌زداید. افزون‌بر موارد یاد شده، تبسم و خنده در چهره، در بهبود روابط نیز مؤثر است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۸۸).

#### د) ایمنی بخشی مادران به واسطه شوهرداری نیکو

در متون اسلامی به جایگاه همسری زن توجه جدی شده و به رفتارهای مورد انتظار از زن در ایفای نقش همسری گاه با عنوان کلی «حسن التبعل» (خوب شوهرداری کردن) (همان، ج ۵، ص ۹) و گاه با اشاره‌های دیگری، توجه شده است. در قرآن کریم اشاره‌ای کوتاه به برخی رفتارهای شایسته و مورد انتظار از زنان در جایگاه همسری گردیده است (نساء، ۳۴). معادل نمودن پاداش شوهرداری به پاداش جهاد مردان (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۲۳)، هم‌سطح دانستن اطاعت از شوهر به جهاد در راه خدا (سیوطی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۱۶ و ۵۱۸)، انتساب لقب بهترین زنان به کسانی که شوهرداری نیکو دارند (همان، ص ۵۱۴) و نسبت به شوهر و فرزندان خود مهربان هستند و در مقابل شوهر مطیع‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲۶)، توقع عفت‌ورزی و حفظ دامن از زنان (همان، ص ۵۲۳-۵۲۴) و بسترساز بودن شوهرداری برای وارد شدن بر بهشت (همان، ص ۵۵۵)، نمونه‌هایی از این روایات است.

زن می‌تواند زندگی را بهشت روی زمین گرداند. زن با اخلاق خوش، مدارا با شوهر و فرزندان، تهیه غذا و رسیدگی به پوشاک شوهر، همکاری و همدلی در مشکلات و در نهایت با خوش‌زبانی می‌تواند زندگی را صفا بخشیده و کمبودهای مادی و مشکلات را با رفتار شیرین خود، کم‌رنگ کند. در آموزه‌های روایی برخی از رفتارها، مورد توجه خاص بوده و در قالب نقش شوهرداری، از زنان متوقع است. مطیع بودن در مقابل اوامر شوهر (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۴۳)، محبت و

عشق به شوهر (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۳۴)، دوری از لجاجت (همان، ص ۱۶۲)، تلاش در جلب رضایت شوهر و پرهیز از بی‌مهری (همان‌جا)، از توصیه‌های مؤکد رهبران دینی و معصومان علیهم‌السلام در رابطه با نقش شوهرداری است.

دقت در توصیه‌های وجوبی و استحبابی که در قالب نقش شوهرداری بیان شده این مطلب را روشن می‌کند که همه این توصیه‌ها به نوعی در احساس ارزشمندی زنان و نقش ممتاز آنان در ایجاد محیطی آرام، اخلاقی و تربیتی در محیط خانواده است. وقتی فرزندان در محیطی آرام و با صمیمیت رشد کنند و نگاهی مثبت به جایگاه مادری داشته باشند، از شخصیتی بهنجار و رفتارهای اجتماعی و اخلاقی مثبت برخوردار خواهند بود. بررسی‌های انجام شده از زاویه دید برخی از روان‌شناسان همچون (آیزنبرگ و لوسیا،<sup>۱</sup> ۱۹۹۷) و نیز جامعه‌شناسانی چون (وینسنت و تام،<sup>۲</sup> ۲۰۰۰) و روان‌شناسان اجتماعی مانند (براون و فرانسیس،<sup>۳</sup> ۱۹۹۳) حاکی از آن است که خانواده نخستین محیطی است که انسان را تحت تأثیر روابط و مناسبات خود قرار می‌دهد (به نقل از صمدی و رضایی، ۱۳۹۰، ص ۹۵-۱۱۷). دکر<sup>۴</sup> (۲۰۰۰) یکی از جامعه‌شناسان اعتقاد دارد خانواده نخستین قالب مرجع آدیان است و خانواده و اعضای آن در شکل‌دهی نگرش انسان به زندگی اجتماعی، هنجارمند ساختن افراد جامعه، سلامت اخلاقی جامعه و کاهش انحرافات اخلاقی، نقش مهم و اساسی ایفا می‌کند. هویر<sup>۵</sup> روان‌شناس معاصر و پزشک بیماری‌های روانی، پس از بررسی‌های آماری ده کشور اروپایی مدعی شده است ۸۸ درصد کودکان و نوجوانانی که مرتکب رفتارهای ضد اجتماعی می‌شوند از خانواده‌های گسسته‌اند. این دانشمند با تحقیقات خود نشان می‌دهد بین ۸۰ تا ۹۰ درصد کودکان منحرف یا مجرم، از خانواده‌هایی هستند که وضعیتی مغشوش و نابسامان عاطفی داشته و شیرازه زندگی آنها از هم گسسته شده است (به نقل از احمدی، ۱۳۷۴، ص ۱۵۳). بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۸۸ درصد افراد مجرم دارای پدر و مادری بوده‌اند که اختلاف شدید داشتند و خانواده آنها از استحکام کافی برخوردار نبود و بین آنها اختلاف نظر و ستیزه وجود داشته است. تحقیقی در این زمینه نشان می‌دهد که ۹۱ درصد مجرمان در ارتباط با جرم به نحوی دچار مشکل عاطفی بوده‌اند (کریمیان، ۱۳۸۷، ص ۱۴۷).

#### ه) بهره‌مندی مادر از ظرفیت‌های یادگیری مشاهده‌ای

یکی از راهبردهای تأثیرگذار در فرزندان در راستای اصلاح رفتارهای اجتماعی، بهره‌گیری از

1. Eisenberg & Losoya  
3. Brown & Francis  
5. Hoir

2. Vincent & Tom  
4. Deeker

یادگیری مشاهده‌ای<sup>۱</sup> است. گوینده هر چقدر ملتزم به گفته‌های خود باشد، تأثیرگذاری بیشتری در دیگران خواهد داشت. در آموزه‌های دینی و روان‌شناختی بر این راهبرد تأکید شده است. قرآن کریم ضمن مذمت کسانی که شعارها و حرف‌های تهی از عمل دارند (صف، ۳ و بقره، ۴۴)، افراد را به التزام عملی به نیکی و عمل صالح دعوت کرده است (فصلت، ۴۱). در احادیث نیز افزون بر اینکه توصیه شده مردم را با التزام عملی به نیکی‌ها دعوت نماییم (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۸)، بر اولویت داشتن تربیت خویشتن مأمور شده‌ایم (هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ج ۲۱، ص ۱۰۷). در روان‌شناسی یادگیری یکی از شیوه‌های یادگیری و تأثیرگذاری در مخاطب، شیوه مشاهده‌ای<sup>۲</sup> و یادگیری اجتماعی<sup>۳</sup> است. آلبرت باندورا و بیوسی<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) این روش را مهم‌ترین نوع یادگیری و تأثیرگذاری (به‌ویژه در کودکان) می‌داند. اگر گوینده و مربی به نیازهای عاطفی الگوگیرنده و تشویق و تکریم یادگیرنده توجه جدی داشته باشد و تعامل و ارتباطش با مربی وسیع و گسترده باشد، باعث جذب بیشتر او شده و تأثیر بیشتری بر اندیشه و رفتار او خواهد داشت (ر.ک: شعاری‌نژاد، ۱۳۸۰ و سیف، ۱۳۸۷). مادران به دلیل برخورداری از عواطف فراوان و احساس مادرانه، به‌طور طبیعی روابط عاطفی و محبت‌آمیزی با فرزندان دارند و گستره ارتباط آنان با فرزندان نیز بسیار زیاد است و از تولد تا بزرگسالی را شامل می‌شود. مادران می‌توانند از طریق یادگیری مشاهده‌ای و الگویی، بیشترین تأثیر را در بهبود و شکل‌گیری رفتارهای فردی و اجتماعی فرزندان داشته باشند و حتی رفتارهای اجتماعی را در آنان تثبیت و نهادینه کنند.

### نتیجه‌گیری

از تتبع و مطالعه منابع دینی و علمی در رابطه با ظرفیت‌های زنان و مادران یادآوری چند نکته ضروری است:

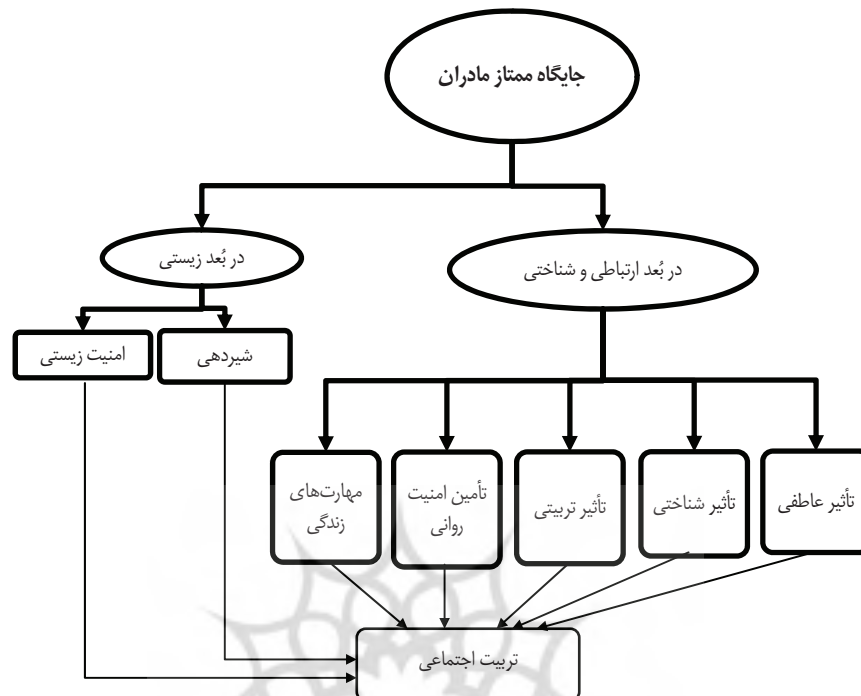
نکته اول اینکه، مادران به دلیل برخورداری از ظرفیت شیردهی و تعامل گسترده با فرزندان، می‌توانند تأثیر قابل توجهی در حفظ سلامتی زیستی و امنیت جسمی فرزندان داشته باشند؛ نکته دوم اینکه؛ مادران به خاطر بهره‌مندی از توانایی‌های عاطفی، مراقبتی، ارتباطی و رابطه همدلانه، می‌توانند در رشد عاطفی، شناختی، تربیتی و همچنین در ایجاد امنیت روانی فرزندان و در آموزش مهارت‌های زندگی، نقش ممتاز و منحصر به فردی داشته باشند؛

1. Observational Learning

2. Observational Learning

3. Social Learning

4. Bandura, A, & Bussey



نمودار ۱: جایگاه ممتاز مادران در رابطه با جنبه‌های ارتباطی، شناختی و زیستی کودکان در تربیت اجتماعی

نکته سوم اینکه، امروزه به دلیل شرایط خاص اجتماعی و خانوادگی (از جمله اشتغال بی‌ضابطه زنان، شغل‌های نامتناسب با ویژگی‌های روان‌شناختی زنان، اندیشه‌های رفاه‌طلبانه و غیراسلامی در رابطه با شیردهی فرزندان، شرایط خاص ارتباطات و...)، موانع و آسیب‌هایی در تحقق تربیت اجتماعی وجود دارد که در راستای کاستن از آسیب‌ها می‌توان نکات زیر را مد نظر قرار داد. آسیب‌های زیادی (متوجه خانواده و فرزندان است و لذا در راستای کاستن از تبعات این آسیب‌ها، نکاتی را می‌توان ذکر کرد:

۱. مادران سعی کنند شغل تمام وقت انتخاب نکنند؛
۲. از شغل‌های شبانه و خشن و شغل‌های مردانه، پرهیز کنند؛
۳. فرزندان خود را از شیر و محبت مادرانه به‌طور کامل ارضا نمایند؛
۴. روابط محبت‌آمیز و دوستانه با فرزندان خود برقرار کنند؛
۵. سنگ صبور مشکلات فرزندان باشند؛
۶. سپردن فرزندان به مهد کودک و یا سایر بستگان، باعث می‌شود که دل‌بستگی کامل بین مادر و فرزند شکل نگیرد و در نتیجه مادر نتواند تأثیرگذاری مطلوبی بر تربیت اجتماعی فرزند داشته باشد؛

۷. با التزام به هنجارهای اخلاقی، اجتماعی و تربیتی اسلامی، الگوی مناسبی بر فرزندان باشند؛
۸. با حفظ روابط کلامی و غیرکلامی صحیح و گسترده با فرزندان، زمینه تأثیر عاطفی، شناختی و تربیتی را مهیا نمایند؛
۹. زنان با ایفای نقش همسری مطلوب، محیط خانوادگی را برای تحقق تربیت اجتماعی فرزندان مهیا سازند.
- امید است که مسئولان محترم مربوطه و برنامه‌ریزان نیز، بسترهای لازم را برای تحقق تربیت اجتماعی افراد جامعه ایجاد نمایند و شرایط خانوادگی و ویژگی‌های روان‌شناختی مادران را در برنامه‌ریزی‌ها لحاظ کنند.





## منابع

- \* قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، (صدوق) الخصال، قم: جامعه مدرسین.
  ۲. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
  ۳. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۱۰)، معجم مقاییس اللغة، [بی‌جا]: الدار الاسلامیه.
  ۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸)، لسان العرب، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
  ۵. اتکینسون، ریتال و دیگران (۱۳۸۴)، زمینه روان‌شناسی، ترجمه تقی براهنی و دیگران، تهران: رشد.
  ۶. احمدی میانجی، علی (۱۴۲۶)، مکاتیب الأئمة، قم: دارالحديث.
  ۷. احمدی، سیداحمد (۱۳۷۴)، روان‌شناسی نوجوانان و جوانان اصفهان، مشعل.
  ۸. پاول اس، کاپلان (۱۳۸۲)، روان‌شناسی رشد (سفر پرماجرایی کودک)، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: رسا.
  ۹. پت، پتری (۱۳۷۶)، شیوه‌های برقراری ارتباط با کودکان و بزرگسالان، ترجمه جواد شافعی مقدم، تهران: ققنوس.
  ۱۰. پرینگل، میاکلمر (۱۳۸۰)، نیازهای کودکان، ترجمه نیره ایجادی و جواد شافعی مقدم، رشد.
  ۱۱. پناهی، علی احمد (۱۳۹۱)، روان‌شناسی و تبلیغات دینی، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
  ۱۲. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دارالکتاب الإسلامی.
  ۱۳. جاحظ، عمرو بن بحر (بی‌تا)، البیان والتبیین، بیروت: دار صعب.
  ۱۴. جانانان اچ. ترنر (۱۳۷۸)، مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، ترجمه محمد فولادی و محمدعزیز بختیاری، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
  ۱۵. جمشیدی، اسدالله و همکاران (۱۳۸۲)، جستاری در هستی‌شناسی زن، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
  ۱۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، تسنیم، قم: اسراء.
  ۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، زن در آئینه جلال و جمال، قم: اسراء.
  ۱۸. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۷۷)، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم: دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم انسانی.

۱۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسایل الشیعه، قم: آل‌البتیت (ع).  
 ۲۰. دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۰۸)، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم: آل‌البتیت (ع).  
 ۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.  
 ۲۲. \_\_\_\_\_ (۱۴۳۴)، المفردات فی غریب القرآن، قم: معروف.  
 ۲۳. زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۸)، هویت و نقش‌های جنسیتی، تهران: مرکز امور زنان ریاست جمهوری.  
 ۲۴. سانتراک، جان دبلیو (۱۳۹۲)، روان‌شناسی رشد در گستره تحول، ترجمه پرویز شریفی درآمدی و محمدرضا شاهی، تهران: دانژه.  
 ۲۵. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۷)، روان‌شناسی پرورشی نوین، تهران: دوران.  
 ۲۶. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۴۱۴)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، بیروت: دارالفکر.  
 ۲۷. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۰)، نگاهی نو به روش‌شناسی آموختن ...، تهران: چاپخش.  
 ۲۸. صمدی معصومه و منیره رضایی (۱۳۹۰)، «بررسی نقش تربیتی خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی از دیدگاه علم و دین»، دو فصلنامه پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت اسلامی، سال نوزدهم، شماره ۱۲، ص ۹۵-۱۱۷.  
 ۲۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین.  
 ۳۰. طبری، محمد بن جریر (بی‌تا)، جامع البیان، مصر: دارالمعارف.  
 ۳۱. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة (۱۴۱۵)، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.  
 ۳۲. علی‌پور، مریم مشهدی (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی جایگاه مادر در فرهنگ جاهلی و اسلامی»، مجله تاریخ در آینه پژوهش، سال نهم، شماره ۲.  
 ۳۳. علی‌پور، احمد و همکاران (۱۳۷۹)، «مقاله شادکامی و عملکرد ایمنی بدن»، مجله روان‌شناسی، شماره ۱۵، فصلنامه انجمن روان‌شناسی، تهران.  
 ۳۴. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (ع)، (۱۴۰۶ق)، مشهد: آل‌البتیت (ع).  
 ۳۵. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب.  
 ۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷)، الکافی (ط-الإسلامية)، تهران: دارالکتب الإسلامية.  
 ۳۷. کوئن، بروس (۱۳۷۰)، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: فرهنگ معاصر.  
 ۳۸. کریمیان، حسین (۱۳۸۷)، «نگاهی به بزه‌کاری نوجوانان و جوانان»، مجله معرفت، شماره ۱۲۶.

۳۹. گلاور جان و برونینگ راجر (۱۳۷۵)، روان‌شناسی تربیتی، ترجمه علینقی خرازی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
۴۱. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، عیون الحکم والمواعظ، قم: دارالحدیث.
۴۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸)، نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام، قم: مؤسسه امام خمینی رحمته‌الله.
۴۴. مصباح، علی و همکاران (۱۳۷۴)، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، تهران: سمت.
۴۵. منصور، محمود و پری‌رخ دادستان (۱۳۷۴)، روان‌شناسی ژنتیک ۲، تهران: رشد.
۴۶. میدانی، احمد بن محمد (۱۴۲۲)، مجمع الامثال، بیروت: دار صادر.
۴۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱)، مجموعه آثار، قم: صدرا.
۴۸. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۴۹. هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله (۱۴۰۰ق)، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، تهران: مکتبه‌الاسلامیه.
۵۰. وندِر زَندِن، جیمز ویلفرید (۱۳۸۶)، روان‌شناسی رشد، ترجمه حمزه گنجی، تهران: ساوالان.
51. Ackerman, P. L, Bowen, K. R, Beier, M. E, & Kanfer, R. (2001), Determinants of individual differences and gender differences in knowledge. Journal of Educational Psychology, 93, 797-825.
52. Al-Kohji S, Said HA, Selim NA. (2012); Breastfeeding practice and determinants among Arab mothers in Qatar. Saudi Med J 2012; 33(4): 43-436.
53. Ballou, M, M. Hill and C. West .(2008); Feminist Therapy Theory and Practice New York Springer Publishingt .
54. Bandura, A, & Bussey, K. (2004); On broadening the cognitive, motivational, and sociostructural scope of theorizing about gender development and functioning .Psychological Bulltin, 130, 691-701.
55. Barrett .L. F. and E. Bliss-Moreau, (2009) "She's Emotional. He's Having a Bad Day: Attributional Explanations for Emotion Stereotypes," Emotion 9, pp. 649-658.

56. Becker D. V, D. T. Kenrick, S. L. Neuberg, K. C. Blackwell, and D. M. Smith, (2007) "The Confounded Nature of Angry Men and Happy Women," *Journal of Personality and Social Psychology* 92, pp. 179-190.
57. Brody, L. R, & Hall, J. A. (2000); Gender, emotion, and expression. In M. Lewis & J. M. Haviland-Jones (Eds), *Handbook of emotions* (2nd ed, pp. 338-349). New York: Guilford Press.
58. Camarata, S, & Woodcock, R. (2006); Sex differences in processing speed: Developmental effects in males and females. *Intelligence*, 34, 231-252.
59. Cowan, G, & Khatchadourian, D.(2003); Empathy, ways of knowing, and interdependence as mediators of gender differences in attitudes toward hate speech and freedom of speech. *Psychology of Women Quarterly*, 27, 300-308.
60. David H. Olson and John DeFrain (2011); *Marriages Families, Intimacy, Diversity, and Strengths*, Seventh Edition, Linda Skogrand, Utah State University.
61. Decker, L. et al. (2000); *Engaging families & communities, pathways to educational success*. Boca Raton, FL: 19.
62. Erickson, R. (2005); Why emotion work matters: Sex, gender, and the division of household labor. *Journal of Marriage and the Family*, 67, 337-351.
63. Halpern, D. F., & LaMay, M. L. (2000); The smarter sex: A critical review of sex differences in intelligence. *Educational Psychology Review*, 12, 229-246.
64. Herlitz, A, & Yonker, J. E. (2002); Sex differences in episodic memory: The influence of intelligence. *Journal of Clinical and Experimental Neuropsychology*, 24, 107-114.
65. Hines, M. (2007); Do sex difference in cognition cause the shortage of women in science? In C. J. Ceci & W. M. Williams (Eds.), *Why aren't more women in science? Top researchers debate the evidence* (pp. 101-112). Washington, DC: American Psychological Association.
66. Hyde, Janet Shibley.(2013); *The Psychology of Women*, Belmont (USA), Wadsworth. in emotion. *Emotion*, 4, 87-94.
67. Islami Z, Razieh F, Golestan M, Shajaree A. Relationship between delivery type and successful breastfeeding. *Iran J Pediatr* 2008; 18 (Suppl 1): 47-52.
68. Johnson, W, Carothers, A, & Deary, I. J. (2008). Sex differences in variability in general intelligence: A new look at the old question.

69. Matlin Margaret W. (2008) *The Psychology of women*. Belmont, CA: Wadsworth/Thomson Learning.
70. Meier, J. A, McNaughton-Cassill, M, & Lynch, M. (2006); The management of household and childcare tasks and relationship satisfaction in parenting couples. *Marriage and Family Review*, 40, 61-88.
71. Olang B, Heidarzadeh A, Strandvik B, Yngve A. Reasons given by mothers for discontinuing breastfeeding in Iran. *Int Breastfeed J* 2012; 7:1.
72. Robbins, Stephen P and Judge, Timothy A.(2015); *Organizational behavior, Manufactured in the United States of America*.
73. Santrock, John W, (2011); *Life-span development*, Published by McGraw-Hill, an imprint of The McGraw-Hill Companies, Inc., 1221 Avenue of the Americas, New York.
74. Winch, Christopher and Gingell, John, (2008); *Key concepts in the philosophy of the education*, second edition, London and newyork, routledge.
75. Hyde, Janet Shibley. (2013); *The Psychology of Women*, Belmont (USA), Wadsworth. in emotion. *Emotion*, 4, 87-94.
76. Barrett .L. F. and E. Bliss-Moreau, (2009) "She's Emotional. He's Having a Bad Day: Attributional Explanations for Emotion Stereotypes," *Emotion* 9, pp. 649-658.
77. Robbins, Stephen P and Judge, Timothy A. (2015); *Organizational behavior, Manufactured in the United States of America*.
78. Meier, J. A, McNaughton-Cassill, M, & Lynch, M. (2006); The management of household and childcare tasks and relationship satisfaction in parenting couples. *Marriage and Family Review*, 40, 61-88.